

بررسی عوامل موثر بر گرایش به جراحی‌های زیبایی و مدیریت بدن در بین زنان شهر ایلام در سال ۱۳۹۵

حشمت قبادی^۱، علیرضا کلدی^{۲*}، سیدمحمدصادق مهدوی^۳

(۱) گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، تهران، ایران

(۲) گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۲/۲۵

تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۳/۱۶

چکیده

مقدمه: امروزه مدیریت بدن و متغیرهای موثر در گرایش به آن از مباحث مهم در جامعه‌شناسی پزشکی است. بدن صرفاً جنبه زیستی و روان شناختی نداشته بلکه پدیده‌ای است که به صورت اجتماعی ساخته و پرداخته می‌شود.

مواد و روش‌ها: مطالعه حاضر از نوع توصیفی-همبستگی است. جامعه آماری پژوهش تمام زنان ۱۹ تا ۴۴ سال شهر ایلام می‌باشد که طبق اطلاعات مرکز آمار ایران تعداد آن‌ها ۴۷۰۹۰ نفر بود که از این تعداد ۳۸۱ نفر بر اساس فرمول کوکران و با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای به عنوان نمونه انتخاب شد اما به دلیل مخدوش بودن ۱۱ پرسشنامه ۳۷۰ مورد برای تحلیل نهایی برگزیده شد. ابزار مورد استفاده پرسشنامه محقق ساخته بوده است. مدیریت بدن در چهار بُعد رویه‌های لاغری و سلامتی، جراحی‌های زیبایی، نوع پوشش (لباس) و مراقبت‌های بهداشتی مورد بررسی قرار گرفت. جهت تحلیل داده و آزمون فرضیه‌ها از روش‌های آماری توصیفی (میانگین، فراوانی، درصد) و آمار استنباطی (آزمون کولموگروف-اسمیرنوف، ضریب همبستگی پیرسون، اسپیرمن و جدول آنالیز واریانس) استفاده و به این منظور از نرم افزار SPSS بهره گرفته شد.

یافته‌های پژوهش: نتایج نشان داد که اکثریت زنان مطالعه شده متأهل، خانه دار و متعلق به طبقه میانی متوسط بوده‌اند. ضمن این که میان متغیرهای سن، مصرف رسانه‌ای، فشارهای اجتماعی-فرهنگی، وضع تأهل، میزان تحصیلات و درآمد با مدیریت بدن رابطه معنا دار وجود دارد.

بحث و نتیجه‌گیری: رسانه‌ها در جهان امروز یکی از عوامل اصلی مدیریت بدن به حساب می‌آیند و در انتقال فشارهای اجتماعی-فرهنگی برای لاغر شدن و اندام متناسب نقش مهمی بازی می‌کنند. تحصیلات نیز از عوامل اجتماعی تعیین کننده نوع مدیریت است. افزایش تحصیلات، زنان را مجاب می‌کند که در دوره‌های متفاوت زندگی متناسب با تحصیلات خود نسبت به کنترل، تنظیم و مانیتور بدن خود اقدام کنند.

واژه‌های کلیدی: مدیریت بدن، مصرف رسانه‌ای، فشارهای اجتماعی-فرهنگی، زنان ایلام

* نویسنده مسئول: گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، تهران، ایران

Email: arkaldi@yahoo.com

Copyright © 2017 Journal of Ilam University of Medical Science. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution international 4.0 International License (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>) which permits copy and redistribute the material, in any medium or format, provided the original work is properly cited.

مقدمه:

مدیریت بدن از مفاهیم اساسی جامعه شناسی پزشکی است و به معنای دستکاری در صورت ظاهری بدن می باشد. با ظهور عصر جدید جامعه مصرفی، نما و صورت ظاهری بدن برای افراد جامعه از اهمیت ویژه ای برخوردار شده است.

«جایگاه والای بدن در گفتمان مدرن به حدی است که ترنر از آن به چرخش به سمت جامعه جسمانی یاد می کند (۱). بدن دیگر یک هستی زیست شناختی و روان شناختی صرف نیست بلکه پدیده ای است که به صورت اجتماعی ساخته و پرداخته می شود» (۲). تأکید روز افزون بر بدن با عواملی چون، تغییر ماهیت تحمل بیماری، عوامل جمعیتی، سیاسی شدن بدن، افزایش فرهنگ مصرفی، فناوری ها جدید و مرتبط با بدن، چرخش به مدرنیته ی متأخر و در نظر گرفتن بدن به عنوان یک پدیده ی اجتماعی و بیولوژیکی نا تمام در حال تغییر، در ارتباط است (۳) اهمیت نمای ظاهری بدن در عصر جدید و بصری شدن معیارها و ملاک های زیبایی، افزایش علاقه به جوانی موجب گرایش اقشار و گروه های مختلف به مدیریت بدن شده است، که به دلیل وجود ایدئولوژی های جنسیتی حاکم بر جوامع، این تمایل در بین زنان و دختران بیش تر است. لذا به نظر می رسد جنسیت نقش کلیدی و محوری داشته باشد. چرا که عواملی چون قد، وزن، رنگ پوست، حالت چهره و دیگر عوامل بیولوژیک با توجه به جنس مهم تلقی می شود.

بسیاری از دختران از بدو نوجوانی یک حس خود بیزاری را در خود، درونی و ملکه ی ذهن می کنند (۴). گاه چنین تصویری، زنان را به درگیری روان شناختی و ذهنی، تشویش، وسواس، عدم اعتماد به نفس و افسردگی سوق می دهد. به علاوه، از آن جا که در جوامع کنونی، ظاهر هر فرد مبنای پذیرش اجتماعی اوست، تمایل به مدیریت بدن، به نوبه ی خود، زمینه را برای معضلی به نام «پارادوکس ارزش سلامت و ارزش زیبایی» فراهم کرده است. (۵) به این معنا که در بسیاری از مواقع زنان و دختران با تحمل رژیم های سخت و طاقت فرسای لاغری به منظور داشتن اندام

لاغر و باریک و جراحی های متعدد صورت و بینی و سایر اندام ها، زیبایی را به سلامت ترجیح می دهند. در دهه های اخیر، به دلیل رشد فناوری ها رسانه ای و اطلاعاتی، نفوذ فرایند جهانی شدن، تنوع یافتن تولیدات لوازم آرایشی و بهداشتی و رواج جراحی های زیبایی، الگوهای متنوعی را در عرصه ی خود اظهاری و خود آرایی جوانان ایرانی شاهد هستیم (۶) و تناسب اندام به عنوان معیار زیبایی اندام مورد توجه قرار گرفته است. نگرانی از بابت نداشتن اندامی موزون، بد شکل و نا زیبا موجبات دغدغه خاطر افراد از حیث عدم پذیرش اجتماعی شده است. با توجه به این که زنان در مقایسه با مردان نسبت به وضع ظاهری و زیبایی خود حساسیت بیش تری نشان می دهند، این توجه وافر آنان را و می دارد تا رفتارهایی گاه افراطی به منظور زیبایی چهره و اندام خود اتخاذ کنند که تبعات سوئی را به بار می آورد (۷). نمونه ی بارز این ادعا، دختران و زنانی است که به کرات اقدام به جراحی های گوناگون و رعایت رژیم های غذایی لاغری جهت دست یابی به زیبایی و تناسب اندام نموده اند که گاه نه تنها به نتیجه مطلوب دست نیافته اند بلکه در مواردی زیبایی اولیه را نیز از دست داده اند و در حساس ترین شرایط رشد بدنی، خود را از شرایط تغذیه ی سالم و متعادل محروم می سازند. مدیریت بدن به کمک معرف هایی در چهار بُعد مراقبت های بهداشتی و آرایشی (آرایش مو، اصلاح صورت، استفاده از عطر، ادکلن، دئودورانت، رنگ مو، آرایش ناخن، استحمام روزانه). جراحی های زیبایی (جراحی زیبایی بینی، گونه، گوش، لیفتینگ، تاتو کردن، انجام لیپوساکشن) نوع لباس (پوشش) (لباس های کوتاه و اندامی، لباس های نازک و آستین کوتاه، لباس های بدن نما و ...) رویه های لاغری و سلامتی (پیاده روی، کنترل مرتب وزن، انجام ورزش های هوازی، استفاده از سونای خشک ...) به یک شاخص تجملی (نماد منزلت) تبدیل شده است.

از نظر فدراسیون، عامل اصلی تنظیم و مدیریت بدن در فرهنگ مصرفی، رسانه ها و تکنولوژی ها هستند (۸) در جوامع مدرن کنونی، توجه به اندام به عنوان یک رسانه مد نظر است. ارتباطات روزافزون جوامع با یکدیگر و برخورد و تعامل بین فرهنگ های گوناگون موجب شده

شده است. بنابراین هدف این مطالعه، بررسی عوامل مرتبط با مدیریت بدن در بین زنان شهر ایلام می‌باشد.

مواد و روش‌ها

مطالعه حاضر بر اساس هدف کاربردی و از بعد روش توصیفی - همبستگی است. جامعه‌ی آماری پژوهش، تمامی زنان ۱۹ تا ۴۴ سال شهر ایلام است که تعداد آن‌ها بالغ بر ۴۷۰۹۰ نفر بود. از این تعداد بر اساس فرمول کوکران و با در نظر گرفتن حداکثر واریانس، نمونه‌ای به حجم ۳۸۱ نفر انتخاب شد. اما به دلیل مخدوش بودن ۱۱ پرسشنامه، در نهایت ۳۷۰ پرسشنامه برای تحلیل نهایی انتخاب شدند. چارچوب نمونه‌گیری پژوهش، محدوده شهر ایلام بود که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای مورد استفاده قرار گرفت. روش کار نمونه‌گیری به این صورت بود که در مرحله نخست، محله‌های مختلف شهر ایلام (۱۲ محله) به عنوان خوشه‌ها در نظر گرفته شد و در مرحله دوم نمونه‌گیری در داخل هر یک از خوشه‌ها (براساس فهرست منازل [خانوارها] موجود در مراکز بهداشت محله‌ها) به روش تصادفی منظم انجام و حجم نمونه‌ی نهایی از میان خانوارها انتخاب شد. نحوه انتخاب نمونه‌ها به این صورت بود که ابتدا فاصله نمونه‌گیری مشخص گردید. $k = \frac{N}{n}$ و سپس عددی به صورت تصادفی در فاصله‌ی ۱ تا k انتخاب نموده و به این ترتیب نمونه‌های بعدی طبق فهرست خانوارها انتخاب گردید.

از آن جا که نوع پژوهش در این مطالعه، مبتنی بر پارادایم کمی و روش مورد استفاده از نوع پیمایشی است. لذا ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه می‌باشد. پرسشنامه‌ای محقق ساخته که با لحاظ نمودن ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه مورد مطالعه و بهره‌گیری از نتایج تحقیقات مشابه برای سنجش ابعاد مختلف مدیریت بدن تنظیم گردید. این پرسشنامه مدیریت بدن را در چهار بُعد (مراقبت‌های بهداشتی و آرایشی، نوع لباس (پوشش)، جراحی‌های زیبایی و رویه‌های لاغری و سلامتی) سنجش می‌کند. روایی محتوایی پرسشنامه را تعدادی از اعضای هیأت علمی و استادان و صاحب نظران جامعه‌شناسی و روان‌شناسی در این حوزه بررسی کردند و پس از رفع ناهمسانی‌های

تا برخی از ایده‌های فرهنگی در سطح جهانی گسترش یابند. یکی از این ایده‌ها، اندام متناسب و زیباست که به گونه‌ای روزافزون به شکل اندام لاغر باز تعریف می‌شوند (۲). نمود این ایده‌ها را می‌توان در فیلم‌ها (به ویژه هالیوودی آن) عروسک‌ها (باربی) و نظایر آن مشاهده کرد. لذا افراد برای تولید و باز تولید هویت خود و تأثیر گذاری بر دیگران و البته، زیر فشار جامعه به انحای گوناگون بدن‌هایشان را مورد مراقبت قرار می‌دهند و با استفاده از ابزارهای گوناگون موجود، آن را مطابق با ارزش‌ها و هنجارهای درون جامعه می‌آریند (۹) شواهد نشان دهنده‌ی تغییر فرهنگی در ایران و ترجیح بدن لاغر در بین زنان است.

نتایج پژوهش‌هایی که درباره مدیریت بدن صورت گرفته است گویای این واقعیت است که «مصرف رسانه ای، پذیرش اجتماعی بدن، پایگاه اجتماعی - اقتصادی افراد با مدیریت بدن رابطه‌ی مستقیم دارند» (۱۰). رضایی و همکاران دریافتند که «مصرف گرایی، فشار اجتماعی و مصرف رسانه‌ای عوامل مستقیم مؤثر بر مدیریت بدن بوده‌اند» (۱۱). «جنس، تحصیلات، سرمایه فرهنگی، دیانت، نگرش سنتی خانواده» (۱۲) مقایسه اجتماعی بدن، گروه‌های مرجع، سرمایه فرهنگی و اقتصادی، تحصیلات» (۱۳). «دوستان، خویشاوندان و هم کلاسی‌ها، مجلات و ژورنال‌ها، شغل، وضعیت تأهل، و وسایل ارتباط جمعی» (۱۴) از جمله عوامل مؤثر بر مدیریت بدن بوده‌اند.

گلپز در مطالعه خود دریافت که «زنان نیاز روان شناختی قوی برای حفظ و پیگیری زیبایی و ارتقاء جذابیت دارند. آن‌ها نسبت به مردان به تصویر بدنی خود حساس‌ترند» (۱۵). تیلکا «نشان داد که نا رضایتی عضلانی و ناراضی‌ت از وزن بدن، دو مولفه‌ای هستند که مردان را به رفتارهای مدیریت بدن ترغیب می‌کنند» (۱۶) مطالعه باردن - کن، کس وفورد نشان داد که فشارهای ادراک شده از رسانه‌ها در مردان تأثیر گذار تر از زنان بوده در حالی که زنان به متغیرهای زیستی، روانی و اجتماعی واکنش بیش تری می‌دهند. (۱۷)

امروزه فشارهای اجتماعی، فرهنگی و رسانه‌ای بر زیبایی و نظارت بر بدن و گرایش افراد به مدیریت بدن

موجود، پرسشنامه تنظیم شد. به منظور بالا بردن پایایی ابزار سنجش، آزمون مقدماتی انجام شد. به این صورت که پرسشنامه بین ۳۰ نفر از زنان شهر ایلام توزیع گردید، سپس با استفاده از آزمون های تحلیل عاملی و سنجش پایایی به بررسی گویه های مقدماتی پرداخته و در نهایت با جرح و تعدیل گویه ها، پرسشنامه ی نهایی تدوین شد. در این پرسشنامه، سوالات مربوط به ابعاد چهار گانه مدیریت بدن به صورت طیف لیکرت پنج گزینه ای برای پاسخگویان ارائه گردید. میزان آلفای

کرونباخ برای ابعاد چهارگانه ۰/۹۰۲ یا (۹۰/۲) بود که ضریب بالایی برای آزمون است. ضمن این که میزان اعتبار کلیدی ابعاد مدیریت بدن با استفاده از ضریب K.M.O که به میزان ۰/۸۶۴ بود، مورد سنجش قرار گرفت که سطح قابل قبول و بالایی می باشد. مدیریت بدن که متغیر وابسته پژوهش است در چهار بعد اندازه گیری شد و آیتم های آن در جدول تحلیل عاملی منعکس شده است. آیتم ها در هر یک از ابعاد به صورت طیف پنج گزینه ای برای پاسخگویان ارائه شد.

جدول شماره ۱- نتایج تحلیل عاملی مدیریت بدن در بین زنان شهر ایلام

اجزای مدیریت بدن	عامل های مدیریت بدن	ابعاد مدیریت بدن	نتیجه کلی آزمون K.M.O
	عامل نخست	عامل سوم	عامل چهارم
- استفاده از لاک ناخن	۰/۸۴۵		
استفاده از ناخن مصنوعی	۰/۷۸۹		
استفاده از عطر، ادکلن، دئودورانت	۰/۷۷۰		
رنگ مو، مش، های لایت	۰/۷۵۲		
استفاده از رژگونه و ریمل	۰/۷۳۴		
استفاده از کرم های روشن کننده	۰/۷۲۳		
استفاده از رژلب و خط چشم	۰/۷۱۴		
استحمام روزانه	۰/۷۰۳		
استفاده از کرم های مرطوب کننده	۰/۶۹۴		
آرایش مرتب موهای سر	۰/۶۸۶		
مسواک زدن	۰/۶۸۱		
استفاده از سایه چشم	۰/۶۷۲		
اصلاح منظم ناخن	۰/۶۶۴		
استفاده از کرم های ضد آفتاب	۰/۶۶۱		
اصلاح مرتب موهای زائد	۰/۶۱۰		
استفاده از مداد ابرو	۰/۶۰۹		
استفاده از لباس های اندامی بر اساس مد روز جامعه	۰/۸۸۷		
استفاده از لباس های بدن نما در میهمانی ها	۰/۸۵۲		
استفاده از لباس های کوتاه و اندامی	۰/۸۳۵		
استفاده از لباس های نازک و آستین کوتاه در حضور اقوام و خویشاوندان	۰/۸۲۸		
جراحی زیبایی گونه		۰/۸۱۲	
تاتو کردن ابروها		۰/۷۹۶	
لیفتینگ		۰/۷۹۶	
استفاده از بوتکس		۰/۷۵۳	
لنز گذاری		۰/۷۳۶	
انجام لیپو ساکشن		۰/۶۹۷	
جراحی زیبایی گوش		۰/۶۹۱	
جراحی زیبایی بینی		۰/۶۷۵	
کاشت نگین دندان		۰/۶۶۱	
انجام ارتودنسی		۰/۶۶۰	
کوچک / بزرگ کردن سینه ها		۰/۶۵۸	
جراحی زیبایی پلک		۰/۶۳۸	
رفع لک های تیره صورت با لیزر		۰/۶۳۳	
تزریق ژل در لبها		۰/۶۲۸	

۰/۶۱۲

۰/۷۴۰

۰/۶۸۴

۰/۶۴۲

۰/۵۹۰

۰/۵۰۵

۰/۴۵۱

۰/۴۴۵

۰/۴۴۰

$$K.M.O = \frac{0.84}{0.000}$$

رویه‌های لاغری و سلامتی

جراحی زیبایی چانه

پیاده روی

کنترل مرتب وزن

انجام ورزش‌های هوازی (ایروبیک)

حساسیت به افزایش وزن

استفاده از رژیم‌های لاغری

کنترل چربی شکم

کنترل وزن یا رژیم غذایی

استفاده از سونای خشک

ضمن این که نتایج تحلیل عاملی هر یک از ابعاد مدیریت بدن به ترتیب رویه‌های لاغری و سلامتی (۰/۷۴۸)، جراحی‌های زیبایی (۰/۶۹۹)، نوع لباس (۰/۶۰۷) و مراقبت‌های بهداشتی و آرایشی (۰/۶۵۳) می‌باشد. بر اساس نتیجه‌ی تحلیل عاملی و با توجه به آماره K.M.O که میزان آن برابر است با ۰/۸۶۴ یا (۸۶/۴ درصد) نشان می‌دهد میزان اعتبار ابعاد مدیریت بدن در سطح بالایی قرار دارد و نتیجه آزمون بارتلت نیز معنی دار است ضمن این که سوالات مطرح شده در ابعاد مدیریت بدن قدرت تبیین کنندگی مورد نظر را برای هر بُعد داشته اند.

جدول شماره (۱) نشان می‌دهد که پایایی کلیه‌ی ابعاد مدیریت بدن با استفاده از شاخص ضریب آلفای کرونباخ بزرگ تر از ۰/۷۰ است لذا ابعاد مدیریت بدن از پایایی مناسب آزمون بر خوردار هستند. هم چنین میزان اعتبار کلیدی ابعاد مدیریت بدن، با استفاده از ضریب K.M.O در سطح قابل قبول و بالایی قرار دارد. زیرا خطای آزمون آن به میزان (۰/۰۰۰) طبق آزمون بارتلت کم‌تر از سطح خطای ۰/۰۵ است. به عبارتی، کلیه عناصر (سوالات) مطرح شده در ابعاد مختلف مدیریت بدن، قدرت تبیین کنندگی مورد نظر را داشته اند.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی

جدول شماره (۲) اطلاعات جمعیت شناختی نمونه مورد مطالعه

متغیر	فراوانی	درصد فراوانی
وضع تأهل	مجرد	۱۴۶
	متاهل	۲۰۲
	بی‌همسر در اثر فوت	۸
	بی‌همسر در اثر طلاق	۱۴
تحصیلات	ابتدایی	۱۷
	سیکل	۲۷
	کاردانی	۱۹۲
	کارشناسی	۴۳
	کارشناسی ارشد و بالا تر	۶۹
		۲۲
وضع شغل	شاغل دولتی	۵۲
	شاغل غیر دولتی	۲۸
	خانه دار	۱۴۳
	در حال تحصیل	۹۱
	بیکار	۵۶
		۱۴/۱
طبقه‌ی اجتماعی	بالا	۲۷
	متوسط	۲۶۸
	پائین	۷۵
		۷/۳

جدول (۲) نشان می دهد که از ۳۷۰ نمونه مورد مطالعه، ۵۴/۶ درصد متاهل، ۵۱/۹ درصد دارای تحصیلات کاردانی، ۳۸/۶ درصد خانه دار و ۷۲/۴ درصد دارای طبقه اجتماعی متوسط می باشند.

یافته های تحلیلی

قبل از تحلیل استنباطی فرضیه های پژوهش، ابتدا به مطالعه توصیفی و بررسی نرمال بودن متغیرهای تحقیق با استفاده از آزمون کولموگروف - اسمیرنوف پرداخته شده است که نتایج آن در جداول (۳) ارائه شده است.

جدول شماره (۳) توزیع میانگین و آزمون نرمال متغیرهای تحقیق

متغیر مستقل	تعداد	کم ترین	بیش ترین	میانگین	انحراف معیار	آماره آزمون (Z)	معناداری
سن	۳۷۰	۱۹	۴۴	۲۹/۲۲۷	۶/۳۳۷۶۰	۱/۰۹۲	۰/۱۸۴
مصرف رسانه ای	۳۷۰	۱/۵۰	۴	۲/۸۳۳۳	۰/۶۴۴۵۴	۰/۷۴۰	۰/۶۴۴
فشارهای اجتماعی- فرهنگی	۳۷۰	۱/۲۲	۵	۳/۵۰۲۱	۰/۷۱۴۵۹	۰/۳۷۳	۰/۶۵۰

نتایج جدول (۳) نشان می دهد که تمام مؤلفه ها دارای خطای معنی داری بزرگ تر از ۰/۰۵ می باشند و لذا با اطمینان ۹۵ درصد می توان چنین گفت که توزیع این متغیرها طبیعی بوده و لذا برای تحلیل داده ها از آزمون های پارامتریک استفاده کرد. هم چنین، در جدول شماره (۳) مشاهده می شود، میانگین سن نمونه پژوهش حدود ۲۹ سال، میانگین مصرف رسانه های ۲/۸۳۳۳ (در حد متوسط) و میانگین فشارهای

اجتماعی- فرهنگی ۳/۵۰۲۱ (بالا تر از حد متوسط) می باشد.

برای تحلیل سه فرضیه اول یعنی رابطه ی بین سن، مصرف رسانه ای و فشارهای اجتماعی - فرهنگی با مدیریت بدن زنان شهر ایلام از همبستگی پیرسون و رگرسیون ساده استفاده شده است که نتایج تحلیل به صورت خلاصه در جدول (۵) ارائه شده است.

جدول شماره ی (۴): نتایج تحلیل همبستگی پیرسون و رگرسیونی ساده بین متغیرهای (سن، مصرف رسانه ای و فشارهای اجتماعی - فرهنگی) با مدیریت بدن زنان شهر ایلام

متغیرهای مستقل	تحلیل همبستگی (معنا)	تحلیل رگرسیونی	خطای استاندارد	برآورد ضریب	ضریب تعیین
سن	ضریب همبستگی (معنا)	آزمون F	خطای استاندارد	برآورد ضریب	ضریب تعیین
	داری (معنا)	داری (معنا)	خطای استاندارد	برآورد ضریب	ضریب تعیین
	۰/۳۷۴ -	۵۸/۷۷	۰/۰۷۱	۳/۴۸۴	۴۹/۲۶۵ (۰/۰۰۰)
	(۰/۰۰۰)	(۰/۰۰۰)	۰/۰۲۰	-۰/۱۵۴	-۷/۶۶۶ (۰/۰۰۰)
مصرف رسانه ای	۰/۴۵۸	۹۷/۵۸۱	۰/۱۱۰	۱/۹۱۹	۱۷/۴۴۳ (۰/۰۰۰)
	(۰/۰۰۰)	(۰/۰۰۰)	۰/۰۳۸	۰/۳۷۴	۹/۸۷۸ (۰/۰۰۰)
فشارهای اجتماعی - فرهنگی	۰/۵۷۹	۱۸۵/۵۷۷	۰/۱۷۶	۰/۵۹۷	۳/۳۸۸ (۰/۰۰۰)
	(۰/۰۰۰)	(۰/۰۰۰)	۰/۰۵۰	۰/۶۷۶	۱۳/۶۲۳ (۰/۰۰۰)

با توجه به داده های جدول (۴)، مشاهده می شود که همبستگی بین سن و مدیریت بدن زنان شهر ایلام برابر ۰/۳۷۴- با معنا داری ۰/۰۰۰ می باشد و مقدار خطای آزمون آن کم تر از ۵٪ است لذا بین سن و مدیریت بدن زنان شهر ایلام یک رابطه ی معنا دار و معکوس وجود دارد. ضمن این که برآورد هم زمان ضرایب مدل رگرسیونی سن با استفاده از آزمون F و T از سطح خطای ۵٪ کم تر می باشند و با توجه به منفی بودن برآورد ضریب، نتیجه می شود که با بالا (پایین)

بودن سن، میزان توجه (گرایش) به مدیریت بدن در بین زنان شهر ایلام کاهش (افزایش) می یابد. سهم واریانس کسب شده توسط مولفه ی سن در مدیریت بدن زنان شهر ایلام ۱۳/۸٪ می باشد. هم چنین، داده های جدول شماره (۴) نشان می دهد که همبستگی بین مصرف رسانه ای، فشارهای اجتماعی - فرهنگی با مدیریت بدن زنان شهر ایلام مثبت و معنا دار در سطح خطای ۵٪ می باشد. بنا بر این نتیجه می شود که بین مصرف رسانه ای، فشارهای اجتماعی

– فرهنگی با مدیریت بدن زنان یک رابطه‌ی معنا دار و مستقیم وجود دارد. ضمن این که برآورد هم زمان ضرایب مدل رگرسیونی مصرف رسانه‌ای و فشارهای اجتماعی – فرهنگی با استفاده از آزمون F و برآورد تک تک ضرایب رگرسیونی با استفاده از آزمون T که سطح خطای آن‌ها نیز کم تر از ۵٪ بود و با توجه به مثبت بودن برآورد ضرایب متغیرها نتیجه می‌شود که با بالا (پایین) بودن مصرف رسانه‌ای و فشارهای اجتماعی

– فرهنگی، میزان توجه (گرایش) به مدیریت بدن در بین زنان شهر ایلام افزایش (کاهش) می‌یابد که سهم واریانس کسب شده توسط متغیرهای مصرف رسانه‌ای و فشارهای اجتماعی – فرهنگی به ترتیب ۰/۲۱۰ و ۳۳/۵ درصد می‌باشد. فرضیه شماره (۴): به نظر می‌رسد بین وضع تأهل و میزان گرایش به مدیریت بدن در بین زنان شهر ایلام رابطه معنا داری وجود دارد.

جدول شماره ۵) نتایج آزمون تحلیل واریانس (ANOVA) برای مقایسه میانگین گرایش به مدیریت بدن بر حسب وضع تأهل

منبع تغییرات	مجموع مجنورات (SS)	درجه آزادی	میانگین مجموع مجنورات (MS)	آزمون F	خطای آزمون
بین گروه‌ها	۳/۶۹۶	۳	۱/۲۳۲	۳/۸۸۹	۰/۰۰۹
داخل گروه‌ها	۱۱۵/۹۳۵	۳۶۶	۰/۳۱۷		
کل	۱۱۹/۶۳۱	۳۶۹			

با توجه به داده‌های جدول شماره (۵) مشاهده می‌شود فرض تفاوت میانگین گرایش به مدیریت بدن در زنان شهر ایلام بر حسب وضع تأهل مورد تأیید قرار می‌گیرد، زیرا مقدار معنا داری آزمون F، کم تر از ۵٪ می‌باشد. بنابراین، بر حسب وضع تأهل، گرایش به مدیریت بدن در شهر ایلام تفاوت معنا داری وجود دارد. در گام بعدی برای مقایسه دو به دو میانگین گرایش به مدیریت بدن بر حسب وضع تأهل از روش آزمون LSD استفاده شد.

نتایج نشان داد که میزان گرایش به مدیریت بدن در بین زنان مجرد با زنان متأهل و بی همسر در اثر طلاق تفاوت معنا داری وجود دارد. ضمن این که، میزان گرایش به مدیریت بدن در بین زنان متأهل با زنان بی همسر در اثر طلاق تفاوت معنا داری وجود دارد زیرا

دارای خطای آزمون کم تر از ۰/۰۵ است. به علاوه براساس نتایج توزیع میانگین گرایش به ابعاد چهارگانه مدیریت بدن بیش ترین گرایش زنان مجرد به رویه‌های لاغری و سلامتی و گرایش زنان متأهل، بی همسر بر اثر فوت و طلاق، به مراقبت‌های بهداشتی و آرایشی بوده است.

فرضیه‌ی شماره (۵): به نظر می‌رسد بین میزان تحصیلات و میزان گرایش به مدیریت بدن زنان شهر ایلام رابطه معنا داری وجود دارد.

برای تحلیل این فرضیه با استفاده از تحلیل واریانس (روش ANOVA) جهت مقایسه میانگین میزان گرایش به مدیریت بدن در زنان شهر ایلام بر حسب تحصیلات انجام می‌شود که نتایج آن در جدول (۶) ارائه شده است.

جدول شماره ۶) نتایج آزمون تحلیل واریانس (ANOVA) برای مقایسه میانگین گرایش به مدیریت بدن در زنان شهر ایلام بر

حسب تحصیلات

منبع تغییرات	مجموع مجنورات (SS)	درجه آزادی	میانگین مجموع مجنورات (MS)	آماره (آزمون) F	خطای آزمون
بین گروه‌ها	۷/۶۵۶	۵	۱/۵۳۱	۴/۷۱۴	۰/۰۰۰
داخل گروه‌ها	۱۱۸/۲۴۴	۳۶۴	۰/۳۲۵		
کل	۱۲۵/۹۰۰	۳۶۹			

طبق نتایج جدول (۶) مشاهده می‌شود که فرض تفاوت میانگین گرایش به مدیریت بدن در زنان شهر ایلام بر حسب تحصیلات مورد تأیید قرار می‌گیرد زیرا مقدار معنا داری آزمون F، کم تر از ۰/۰۵ می‌باشد. لذا گرایش زنان شهر ایلام بر

مدیریت بدن بر حسب تحصیلات تفاوت معنا داری وجود دارد. ضمن این که نتایج آزمون تعقیبی LSD (جدول نتایج آزمون تعقیبی LSD به دلیل طولانی بودن جدول ذکر نگردیده است.) در مقایسه دو به دو میانگین گرایش به مدیریت بدن بر حسب تحصیلات زنان شهر ایلام نشان داد که میزان گرایش به مدیریت بدن در بین زنان با تحصیلات ابتدایی با زنان دارای تحصیلات دیپلم و بالاتر تفاوت معنا داری وجود دارد. ضمن این که میزان گرایش به مدیریت بدن در بین زنان با تحصیلات سیکل با زنان دارای تحصیلات

دیپلم و بالاتر تفاوت معنا داری وجود دارد. به علاوه طبق نتایج، میانگین گرایش به مدیریت بدن در بین زنان با تحصیلات ابتدایی با مقدار ۳/۲۷۸۰ دارای بیش ترین میزان و میانگین گرایش به مدیریت بدن در بین زنان با تحصیلات فوق لیسانس و بالاتر با مقدار ۲/۹۳۱۷ دارای کم ترین میزان است. فرضیه ی شماره (۶): به نظر می رسد بین وضعیت شغلی و میزان گرایش به مدیریت بدن زنان شهر ایلام رابطه معنا داری وجود دارد.

جدول شماره (۷): نتایج آزمون تحلیل واریانس (ANOVA) برای مقایسه میانگین گرایش به مدیریت بدن بر حسب وضع شغلی در بین زنان شهر ایلام

منبع تغییرات	مجموع مجنورات LSS	درجه آزادی	میانگین مجموع مجنورات (MS)	آماره (آزمون) F	خطای آزمون
بین گروه ها	۱۴/۱۸۶	۴	۳/۵۴۷	۱۴/۶۹۴	۰/۰۰۰
داخل گروه ها	۸۸/۰۹۴	۳۶۵	۰/۲۴۱		
کل	۱۰۲/۲۸۰	۳۶۹			

طبق نتایج جدول شماره (۷) مشاهده می شود، فرض تفاوت میانگین گرایش به مدیریت بدن در زنان شهر ایلام در بین وضعیت شغلی مورد تأیید قرار می گیرد، زیرا مقدار معنا داری آزمون F. کم تر از ۵٪ می باشد. بنا بر این، گرایش زنان به مدیریت بدن بر حسب نوع شغل آن ها تفاوت معنا داری وجود دارد. نتایج آزمون تعقیبی LSD نیز این مسأله را تأیید می کرد. ضمن این که، میانگین گرایش به مدیریت بدن در بین زنان با شغل دولتی، شغل غیر دولتی، خانه دار شهر ایلام در حد متوسط قرار دارند.

فرضیه ی شماره (۷): به نظر می رسد بین سطح درآمد و میزان گرایش به مدیریت بدن زنان شهر ایلام رابطه ی معنا داری وجود دارد.

از آنجایی که سطح درآمد نمونه مورد مطالعه در این تحقیق به صورت رتبه ای تعریف شده است برای تحلیل رابطه بین سطح درآمد و مدیریت بدن در بین

زنان شهر ایلام از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شده است. طبق نتایج (به منظور کاهش جداول از رسم جدول صرف نظر شده است.) همبستگی بین میزان درآمد و مدیریت بدن زنان شهر ایلام برابر با ۰/۱۶۷ با معناداری ۰/۰۰۶ می باشد که مقدار خطای آزمون آن کم تر از ۰/۰۵ می باشد. بنا بر این نتیجه می شود که بین سطح میزان درآمد و مدیریت بدن در بین زنان شهر ایلام یک رابطه ی معنا داری وجود دارد که با توجه به مثبت بدون علامت همبستگی این رابطه مستقیم می باشد. به عبارتی هر چقدر میزان درآمد زنان بالاتر (پایین تر) باشد میزان گرایش به مدیریت بدن بیش تر (کم تر) خواهد بود. در گام بعدی، جهت مقایسه میانگین میزان گرایش به مدیریت بدن در زنان شهر ایلام بر حسب سطح میزان درآمد از تحلیل واریانس (ANOVA) استفاده شده، که شرح آن در جدول شماره (۸) آمده است.

جدول شماره (۸): نتایج آزمون تحلیل واریانس (ANOVA) برای مقایسه میانگین گرایش به مدیریت بدن زنان شهر ایلام بر حسب میزان درآمد

منبع تغییرات	مجموع مجنورات LSS	درجه آزادی	میانگین مجموع مجنورات (MS)	آماره (آزمون) F	خطای آزمون
بین گروه‌ها	۱۲/۰۶۸	۶	۲/۰۱۱	۳/۹۹۱	۰/۰۰۱
داخل گروه‌ها	۱۸۲/۹۷۰	۳۶۳	۰/۵۰۴		
کل	۱۹۵/۰۳۸	۳۶۹			

با توجه به نتایج جدول (۸) مشاهده می‌شود، فرض تفاوت میانگین گرایش به مدیریت بدن در زنان شهر ایلام بر حسب میزان درآمد مورد تأیید قرار می‌گیرد، زیرا مقدار معناداری آزمون F، کم‌تر از ۵٪ می‌باشد. بنا بر این، گرایش زنان به مدیریت بدن بر حسب میزان درآمد تفاوت معنا داری وجود دارد. نتایج آزمون تعقیبی LSD نیز این مسأله را تأیید می‌نماید. ضمن این که میانگین گرایش به مدیریت بدن بر حسب میزان درآمد زنان با درآمد بالای ۳ میلیون تومان با مقدار ۳/۲۹۴۸ دارای بیش ترین میزان و میانگین گرایش به مدیریت بدن در بین زنان با درآمد کم تر از یک میلیون تومان با تعداد ۲/۸۹۱۸ دارای کم‌ترین میزان است.

فرضیه‌ی شماره (۸): به نظر می‌رسد بین طبقه‌ی اجتماعی و مدیریت بدن زنان شهر ایلام رابطه‌ی معنا داری وجود دارد. بدین معنی که توجه به مدیریت بدن در بین زنان بر حسب طبقه‌ی اجتماعی متفاوت است. از آنجایی که طبقه‌ی اجتماعی نمونه مورد مطالعه در این تحقیق به صورت رتبه ای تعریف شده است برای

تحلیل رابطه بین طبقه‌ی اجتماعی و مدیریت بدن در بین زنان شهر ایلام از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شده است. طبق نتایج، همبستگی بین طبقه‌ی اجتماعی و مدیریت بدن زنان شهر ایلام برابر با ۰/۱۸۰ با معناداری ۰/۰۰۱ می‌باشد که تعداد خطای آن کم تر از ۵٪ می‌باشد، بنا بر این نتیجه می‌شود که بین طبقه‌ی اجتماعی و مدیریت بدن زنان شهر ایلام رابطه‌ی معنا داری وجود دارد و از آن جا که علامت همبستگی مثبت است. بنا بر این بین طبقه‌ی اجتماعی و مدیریت بدن زنان شهر ایلام یک رابطه‌ی مستقیم وجود دارد. به عبارتی، هر چقدر طبقه‌ی اجتماعی زنان بالا تر (پایین تر) باشد میزان گرایش به مدیریت بدن بیش تر (کم تر) خواهد بود. در گام بعدی، جهت مقایسه میانگین میزان گرایش به مدیریت بدن در زنان شهر ایلام بر حسب طبقه‌ی اجتماعی از تحلیل واریانس (ANOVA) استفاده شده است، که شرح آن در جدول شماره (۹) آمده است.

جدول شماره (۹) نتایج آزمون تحلیل واریانس (ANOVA) برای مقایسه میانگین گرایش به مدیریت بدن زنان شهر ایلام بر

حسب طبقه‌ی اجتماعی

منبع تغییرات	مجموع مجنورات LSS	درجه آزادی	میانگین مجموع مجنورات (MS)	آماره (آزمون) F	خطای آزمون
بین گروه‌ها	۴/۴۷۶	۲	۲/۲۳۸	۸/۳۹۸	۰/۰۰۰
داخل گروه‌ها	۹۷/۸۰۴	۳۶۷	۰/۲۶۶		
کل	۱۰۲/۲۸۰	۳۶۹			

این مسأله را تأیید می‌نماید. ضمن این که توزیع میانگین گرایش به مدیریت بدن نشان داد که زنان با طبقه اجتماعی بالا ۳/۳۶۲۶ دارای بیش ترین میزان و میانگین گرایش به مدیریت بدن در بین زنان با طبقه اجتماعی پایین با مقدار ۲/۹۹۰۷ دارای کم ترین میزان است.

طبق داده‌های جدول (۹) مشاهده می‌شود، فرض تفاوت میانگین گرایش به مدیریت بدن در زنان شهر ایلام بر حسب طبقه‌ی اجتماعی مورد تأیید قرار می‌گیرد. زیرا مقدار معنا داری آزمون F، کم تر از ۵٪ می‌باشد. بنابراین بین طبقه‌ی اجتماعی - اقتصادی زنان و گرایش به مدیریت بدن در شهر ایلام تفاوت معنا داری وجود دارد. نتایج آزمون تعقیبی LSD نیز

بحث و نتیجه گیری

در پژوهش حاضر به بررسی عوامل مرتبط با مدیریت بدن در بین زنان شهر ایلام پرداختیم. با عنایت به یافته های تحقیق، در میان ابعاد مدیریت بدن، میزان مطلوبیت بُعد رویه های لاغری و سلامتی بالا تر از سطح متوسط قرار دارد. اما ابعاد جراحی های زیبایی، نوع لباس (پوشش)، مراقبت های بهداشتی و آرایشی، پایین تر سطح متوسط قرار دارد و به طور کلی میانگین ابعاد مدیریت بدن ۲/۹۷۸ می باشد که نشان می دهد مدیریت بدن از دیدگاه نمونه پژوهش در سطح متوسطی قرار دارد.

بر اساس یافته های حاصل از این پژوهش که با آزمون های متناسب بررسی شد، بین مدیریت بدن با مولفه های سن، وضع تأهل، میزان تحصیلات، وضع اشتغال، طبقه اجتماعی، مصرف رسانه ای و فشارهای اجتماعی - فرهنگی رابطه معنا داری وجود دارد. طبق نتایج، بین سن و مدیریت بدن زنان شهر ایلام با میزان همبستگی ۰/۳۷۱ - و سطح معنا داری ۰/۰۰۰ یک رابطه معنا دار و معکوس وجود دارد به این معنا که با بالا (پائین) بودن سن، میزان گرایش به مدیریت بدن در بین زنان شهر ایلام کاهش (افزایش) می یابد. بر حسب پژوهش رابینسون، جکسون، ذکایی، ادیبی سده و همکاران، سن از عوامل اجتماعی تعیین کننده نوع مدیریت بدن است.

نتایج آزمون تحلیل واریانس (ANOVA) نشان داد که گرایش زنان به مدیریت بدن بر حسب وضع تأهل تفاوت معنا داری وجود دارد. مقایسه دو به دو میانگین گرایش به مدیریت بدن زنان بر حسب وضع تأهل با استفاده از آزمون LSD نشان داد که میزان گرایش به مدیریت بدن در بین زنان مجرد با زنان متأهل و بی همسر در اثر طلاق تفاوت معنا داری داشت. به علاوه براساس نتایج توزیع میانگین گرایش به ابعاد چهار گانه مدیریت بدن گرایش زنان مجرد بیش تر به رویه های لاغری و سلامتی و گرایش زنان متأهل، بی همسر بر اثر فوت و طلاق بیش تر به مراقبت های بهداشتی و آرایشی بوده است. این نتیجه با یافته های تحقیق احمدی و همکاران، هم سو می باشد.

نتایج آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن نشان داد که بین تحصیلات و مدیریت بدن زنان شهر ایلام رابطه معنا دار با همبستگی منفی وجود دارد به این معنا که بین تحصیلات و مدیریت بدن در بین زنان شهر ایلام یک رابطه ی معکوس وجود دارد به عبارتی هر چقدر میزان تحصیلات زنان بالا تر باشد میزان گرایش به مدیریت بدن کم تر خواهد بود و بر عکس. طبق پژوهش آزاد ارمکی و چاوشیان، تحصیلات از عوامل اجتماعی تعیین کننده نوع مدیریت بدن است. افزایش تحصیلات زنان را مجاب می کند که در دوره های متفاوت زندگی متناسب با تحصیلات خود نسبت به کنترل، تنظیم و مانیتور بدن خود اقدام کنند. پژوهش ادیبی و همکاران، نشان داد که بین تحصیلات و مدیریت بدن زنان همبستگی معنا داری وجود دارد.

تحقیق حاضر نشان داد که بین مصرف رسانه ای و مدیریت بدن زنان شهر ایلام، با میزان همبستگی ۰/۴۵۸ و سطح معنا داری ۰/۰۰۰ یک رابطه ی معنا دار مستقیم وجود دارد. تحلیل مدل رگرسیونی مولفه ی مصرف رسانه ای نشان داد که برآورد ضریب مولفه ی مصرف رسانه ای مثبت است و نتیجه می شود که با بالا (پایین) بودن مصرف رسانه ای، میزان گرایش به مدیریت بدن در بین زنان شهر ایلام افزایش (کاهش) می یابد. طبق نظریه استیک، رسانه گروهی در انتقال فشارهای اجتماعی - فرهنگی برای لاغر شدن نقش مهم بازی می کند. فدرستون، نیز عامل اصلی تنظیم و مدیریت بدن در فرهنگ مصرفی را رسانه ها می داند. لذا، رسانه ها در جهان امروز، یکی از عوامل اصلی مدیریت بدن محسوب می شوند. تأثیر مصرف رسانه ای بر مدیریت بدن در پژوهش های داخلی ذکایی، موسوی زاده و همکاران و ربانی و درستکار نیز تأیید شده است. هم چنین این پژوهش نشان داد که بین طبقه اجتماعی و مدیریت بدن زنان شهر ایلام رابطه ی معنا دار وجود دارد. طبق نتایج ضریب همبستگی اسپیرمن (۰/۱۸۰) و سطح معناداری (۰/۰۰۱) که مقدار خطای آن کم تر از ۵٪ است بین طبقه ی اجتماعی و مدیریت بدن زنان شهر ایلام یک رابطه ی مستقیم وجود دارد. به این معنا که هر چقدر طبقه ی اجتماعی زنان بالا تر (پایین تر) باشد میزان گرایش به مدیریت بدن بیش تر (کم تر)

به طور کلی و بر اساس نتایج پژوهش، فشارهای اجتماعی- فرهنگی و رسانه‌ای در گرایش زنان به مدیریت بدن و انجام جراحی‌های زیبایی مؤثر می‌باشند. به این معنا که فشارهای هنجاری که از سوی جامعه، گروه همسالان و رسانه‌ها جهت هم‌نوایی با استانداردهای زیبایی به زنان تحمیل می‌شود به نوبه‌ی خود بر تصور از بدن آن‌ها تأثیر می‌گذارد و باعث می‌شود زنان تصویر نا مطلوبی از بدن خویش در ذهن ایجاد کنند که به مدیریت بدن و جراحی‌های زیبایی منجر می‌شود.

با توجه به این که در خصوص موضوع مورد مطالعه تاکنون (زمان انجام این تحقیق) در استان ایلام پژوهشی صورت نگرفته است پیشنهاد می‌شود که پژوهش مشابهی در نمونه‌های دیگر، به ویژه به صورت مقایسه‌ای بین پسران و دختران صورت گیرد. بر اساس یافته‌های تحقیق، رابطه‌ی معنا دار و مثبتی بین مصرف رسانه‌ای و گرایش به مدیریت بدن در بین زنان شهر ایلام ملاحظه شد. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود که ابعاد مختلف اثر گذاری رسانه‌ها بر مدیریت بدن مورد مطالعه قرار گیرد. برای نمونه با توجه به افزایش ضریب نفوذ ماهواره، اینترنت و رسانه‌های جدید در جامعه و به ویژه در بین خانواده‌ها، این موضوع می‌تواند به طور مستقل مورد مطالعه قرار گیرد.

Reference

1. Ghaderzadeh O, Hiroosh GH, Hasanpanah H. [the effect of mass media on body management among women]. J woman Soc 2013;3:125-53. (Persian)
2. Cregan K. The sociology of the body mapping the abstraction of embodiment. London SAGE Publication. 2006. P.232.
3. Abazari Y, Chavoshian H. [From Social Class to Life Style, New Approaches in Sociological Analyses of Social Identity]. J Social Science Letter: 2002, 3-27. (Persian)
4. Keyvanara M, Rabbani R, Zhianpoor M. [Social classification and body modification cosmetic surgery as social status symbol]. J Women Strat Stu 2010; 12: 73-93. (Persian)

خواهد بود. این یافته هم سو با نتایج مطالعات قادرزاده و همکاران، فاتحی و اخلاصی و رضایی می‌باشد. یافته‌های این مطالعه نشان داد که بین فشارهای اجتماعی- فرهنگی و مدیریت بدن زنان شهر ایلام، با میزان همبستگی ۰/۵۷۹ و سطح معنا داری ۰/۰۰۰ یک رابطه‌ی معناداری و مستقیم وجود دارد. ضمن این که تحلیل مدل رگرسیونی مولفه‌ی فشارهای اجتماعی- فرهنگی بر مدیریت بدن زنان شهر ایلام نشان داد که برآورد ضریب مولفه‌ی فشارهای اجتماعی- فرهنگی مثبت و نتیجه می‌شود که با بالا (پایین) بودن فشارهای اجتماعی- فرهنگی، میزان گرایش به مدیریت بدن در بین زنان شهر ایلام افزایش (کاهش) می‌یابد. میزان سهم مولفه‌ی فشارهای اجتماعی- فرهنگی در تبیین مدیریت بدن زنان شهر ایلام ۳۳/۵ می‌باشد. این نتیجه، با نتایج پژوهش رضایی و همکاران، احمدی و همکاران، هم سو می‌باشد. یافته‌های پژوهش هم چنین از نظر شدت رابطه بین احساس فشارهای اجتماعی- فرهنگی و مدیریت بدن بیانگر ارتباط مثبت و متوسط است. فشارهای اجتماعی- فرهنگی، از قبیل خنده‌ها و تمسخرها و هم چنین نیاز محیط‌های کار به افراد متناسب سبب می‌شود که کسانی که این ویژگی را ندارند دچار خود کم بینی و فقدان اعتماد به نفس شوند، بنا بر این برای کسب محبوبیت به زیبایی و تناسب اندام روی می‌آورند.

5. Adibisadeh M, Alizadeh M, Koochi K, [sociology indication of body management among women]. J Soc Psychol Stu Women 2012; 3: 59-84. (Persian)
6. Zarehahabadi A, Taher M. [Study of body management style of women and girls of Yazd City]. J Soc Lige Style 2016; 1: 67-95(Persian)
7. Ahmadnia SH. [Sociology of the body and the body of women]. Women J 2006;2:132-43. (Persian)
8. Featherstone M, Hepworth M, Brayan S. The body social process and cultural theory. London SAGE Publication. 2001;P.144.
9. Khajenoori B, Moghadam AA. [Globalization and womens social capital]. J Soc Sci 2009; 5: 131-54. (Persian)

10. Fatehi A, Ekhlasi E. [Body management ant its relationship with social acceptance of body]. J Women Strat Stud 2008;11:7-49. (Persian)
11. Rezei A, Inanlo M, Fekri M. [Body management and its relationship with social factors among Mazandran University Girls]. J Women Strate Stu 2009;3: 141-64. (Persian)
12. Azadarmaki T, Chavoshian H. [Body as identity]. J Soc 2002; 4: 57-75. (Persian)
13. Adibisadeh M, Alizadeh M, Koochi K. [Sociology indication of body management among women]. J Soc Psychol Stud Women 2012; 3:59-84. (Persian)
14. Mosazadeh SM, NiaziShahraki F, Hormozi K, FadaeeNaeeni A, Nasri, M, [Investigating tendency and motivation of female patients in beauty surgeries]. J Res 2010;3: 318-23. (Persian)
15. Glazer RN. Womens body image and low. J Dukelaw 1992; 43:113-47.
16. Tylko TL. Refinement of the tripartite influence model for men Dual body image pathways to body change behaviors. J Body Image 2011;6: 83-9.
17. Bardoneccone AM, Cass KM, Ford JA. Examining body dissatisfaction in young men within a biopsychic social from work. J Body Image 2008; 5: 183-94.

Investigating the Effective Factors on tendency to beauty surgeries and Body Management among women of Ilam during 2016

Ghobadi H¹, Kaldi A^{*1}, Sadeghmahdavi M¹

(Received: May 15, 2017

Accepted: June6, 2017)

Abstract

Introduction: now a day, body management and its effective variables are important discussions in medical sociology. Body has not just living and psychological dimension, and it is a component that is structured socially.

Materials & methods: the present study is descriptive- correlative. Research population is includes all women with age range of 19-44 in Ilam city that were 47090 cases based on report of center of statistics of Iran in whom 381 cases were selected by Cochran Formula and were selected by multilevel clustering sampling method. But because of missing data in 11 questionnaires, 370 questionnaires were selected for final analysis. Research instrument is author- made questionnaire. Body management was studied in four dimensions of thinness procedures, healthiness, beauty surgeries, cover type and health care. For data analysis and testing hypotheses, descriptive statistics (mean, frequency, percent) and inferential statistics (K-S, correlation coefficient of

Pearson, Spearman and simple regression and variance analysis) were used and so SPSS software was used.

Findings: the findings show that majority of studied women are married, householder and in middle class. Also variables of age, media consumption, cultural- social stress, married conditions, education degree and income are related with body management.

Discussion & conclusions: media in modern time is one of the main factors of body management and play and important role in transferring social- cultural pressure for thinness and body fitness. Also education is one of the important social factors for determine management type. Higher education necessitates women to control arrangement and monitor body in various life times related to their education.

Key words: Body management, Media consumption, Social- cultural stresses, Ilam women

1. Dept of Sociology, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

2. Dept of Sociology, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

* Correspondin author Email:arkaldi@yahoo.com